



جستار و روش (نشریه الکترونیکی مرکز مطالعات پیشرفته روش)
سال اول، جستار شماره ۲؛ انتشار ۱۳۴۰/۳/۹

پول حکومتی یا پول خودجوش؛ نزاع فکری مکتب اتریش با پول نومیالیستی، نوشتار دوم

سید امیرحسین شکرآبی

پژوهشگر مرکز مطالعات پیشرفته روش

مشخصات کتابشناختی این اثر:
شکرآبی، سید امیرحسین (۱۴۰۳). پول حکومتی یا پول خودجوش؛ نزاع فکری مکتب اتریش با پول
نومیالیستی، نوشتار دوم، جستار و روش (نشریه الکترونیکی مرکز مطالعات پیشرفته روش)، سال اول، جستار
شماره ۲. نشانی دسترسی اینترنتی:

<http://raveshcenter.com/jostar&ravesh/Vol.1/jostar2.pdf>

مرکز مطالعات پیشرفته روش

<http://www.raveshcenter.com>

Email: info@raveshcenter.com

نشریه الکترونیکی «جستار و روش»، به‌طور خاص برای انتشار بخشی از تأملات و تحقیقات پژوهشگران با
تمرکز بر مسئله عام «توسعه» منتشر می‌شود. برای دسترسی به مقالات نشریه الکترونیکی «جستار و روش»
به سایت این نشریه مراجعه کنید.

<http://www.raveshcenter.com/jostar>

پول حکومتی یا پول خودجوش؛ نزاع فکری مکتب اتریش با پول نومینالیستی، نوشتار دوم

سید امیرحسین شکرآبی

در نگرش نومینالیستی به پول، مالیات‌ستانی حاکمیت به‌عنوان عامل پیشران انتزاع پول فرض شده است، اما در چارچوب اتریشی هرچند دولت برای مالیات‌ستانی به دنبال دولتی‌کردن پول بوده؛ اما اخذ مالیات مؤخر بر شکل‌گیری پول تلقی شده است. نگاه‌هایی که به تقدم و تأخر مالیات و شکل‌گیری پول وجود دارد علاوه بر اینکه روایتی متفاوت از ماهیت پول را نشان می‌دهد، در حوزه عملیاتی و بودجه‌ریزی نیز تفاوت‌های چشم‌گیری را ایجاد می‌کند. نظریه پول حکومتی جورج فردریش نپ، ریشه‌های تاریخی پول را در روابط بدهی میان حکومت‌ها و اعضای آن‌ها می‌داند. برای پرداخت هزینه کالاها و خدمات، حکومت‌ها اقدام به صدور نشانه‌های اعتباری می‌کردند که با پول محاسباتی اعلام شده تعیین ارزش می‌شد و در نتیجه قول می‌دادند که پرداخت بدهی‌های مالیاتی را قبول کنند. به‌این‌ترتیب، حکومت‌ها حاکمیت فضای پولی را به وجود می‌آوردند که در آن، بدهی‌ها و قیمت‌ها با پول محاسباتی واحد آن‌ها تعیین ارزش می‌شود.

۱. تاریخ پول به روایتی دیگر

نگرش تحلیلی لزوماً از مبنای متعارف اتریشی پشتیبانی نمی‌کند. براین‌اساس، نگاهی به نگرش تاریخی نیز خالی‌ازلطف نخواهد بود؛ چنانچه چارلز گودهارت^۱ اشاره کرده است، ضرب مسکوکات برای نخستین‌بار توسط دولت و به‌منظور کاهش هزینه مبادله برای اخذ مالیات رخ داده و این حکومت است که از طریق مهر تضمین کیفیت بر روی سکه

نقص اطلاعاتی ناشی از سنجش عیار و کیفیت خلوص واسطه مبادله فلزی را برطرف می‌کند:

سکه‌شناسان بر این باورند که اولین سکه‌ها در لیدی (غرب ترکیه کنونی) در اواسط قرن هفتم قبل از میلاد تولید شده‌اند. سکه‌ها از الکتوم-آلیاژ طبیعی طلا و نقره - ساخته شده بودند. آن‌ها طرحی در یک طرف [سکه] داشته و هم‌وزن بودند، اما نسبت طلا بسیار متغیر بودند ... این سکه‌ها

¹ Charles Goodhart



صدها سال است که اقتصاددانان تنها به یک دیدگاه درباره منشأ پول اکتفا کرده‌اند، اما مردم‌شناسان و باستان‌شناسانی که روزبه‌روز بر تعدادشان افزوده می‌گردد با یک دیدگاه تجدیدنظرطلبانه، می‌گویند داستان مقبول اقتصاددانان شکست‌خورده است. مردم‌شناسان و باستان‌شناسان معتقدند دولت‌های اولیه ارز را به‌عنوان وسیله‌ای برای پرداخت بدهی اختراع کردند. دانیل سولز^۱، انسان‌شناس اجتماعی - فرهنگی مدرسه بازرگانی کپنهاگ در فردریکسبرگ^۲، می‌گوید: «در بسیاری از کارهای آکادمیک فرض شده [سیستم‌های پولی] در دولت‌های ملی در ۲۰۰ تا ۴۰۰ سال گذشته پدید آمده‌اند. اما تراکنش‌های مالی و بدهی‌ها مربوط به دوره‌ای بسیار قدیمی‌تری بودند»... [همچنین، رابرت] روزنزویگ^۳ ادعا می‌کند دولت‌های اولیه برای پرداخت بدهی‌های کالای عمومی و جمع‌آوری مالیات - و نه برای مبادله - پول ایجاد می‌کردند. در عوض، پول از سیستم‌های اعتباری و بدهی قدیمی‌تر که انسان‌شناسان بیش از یک قرن آن را مستند کرده‌اند، رشد کرد. در جوامع کوچک مقیاس، بدهی‌ها مربوط به تعهدات به دیگران است. به‌عنوان مثال، در میان گروه‌های شکارچی - گردآورنده و کشاورز، دخترانی که در ازدواج واگذار می‌شوند، بدهی‌هایی ایجاد می‌کنند که تا حدی با کالاهایی به نام ثروت عروس بازپرداخت می‌شود. [بنابراین، برای] بازپرداخت کامل آن نیازی به پول نقد نیست... از همان ابتدا، سکه‌ها مسئول تأمین بودجه ارتش‌ها و جنگ‌ها بودند. در این فرایند، سکه‌ها به ارز قانونی برای انواع معاملات تبدیل شدند. تجدیدنظرطلبان

برای پرداخت به سربازان ارائه شده بودند، تزی که اصلاح و بیان شد... که دولت‌ها سکه‌هایی ضرب می‌کنند تا به سربازان پرداخت کنند تا ابزاری برای پرداخت مالیات ایجاد کنند (Goodhart, 1998: 415). اگرچه، زمانی که ایده و فرایند فنی [پول] کشف شد، به نظر می‌رسید که ضرب‌کاری مانند سایر فرایندهای فلزکاری در بخش خصوصی قابل‌انجام است، اما در عمل، ضرب‌کردن در اکثر موارد دولتی بوده و [تنها] موارد اجرایی‌اش توسط عموم انجام شده است. در مواردی که ضرب‌خانه توسط بخش خصوصی اداره می‌شود، دولت در بیشتر موارد استانداردهای ظرافت را تعیین کرده و اجازه یا مالیات حق‌الزحمه را که بیشتر سودهای موجود را جمع‌آوری می‌کند، اخذ می‌کند. این تمرکز ضرب‌خانه تحت نظارت دولت، تصادفی نمی‌باشد. دو دلیل مرتبط وجود دارد که چرا چنین است. اول، ضرب‌خانه به فهرستی از فلزات گران‌بها نیاز دارد... [و] دوم، هزینه‌های شناسایی ارزش (کیفیت) واقعی فلزات موجود در سکه ضرب‌شده، منجر به تناقضات زمانی [حفظ ارزش پول] می‌شود (Ibid: 412).

هرچند مسائل تاریخی به‌قدری شفاف نیست که اظهارنظرهای قطعی‌ای صورت داد؛ اما تلاش‌های باستان‌شناسی و انسان‌شناسی در سال‌های اخیر، این موضوع را کمی روشن‌تر کرده است. در یکی از مقالاتی که توسط بروس بائر^۴ نوشته شده، این موضوع به‌دقت مورد بررسی قرار گرفته است:

¹ Bruce Bower

² Daniel Souleles

³ Fredericksburg

⁴ Robert Rosenswig



می‌دهد. این ایده که مالیات برای آنچه که دولت خرج یا پرداخت می‌کند، لازم است، خیالی محض است (Kelton, 2020, 11). به این دلیل که کنگره... اگر واقعاً بخواهد کاری را انجام دهد، همیشه توان [انتشار] پول را دارد. اگر قانون‌گذاران بخواهند، می‌توانند قوانینی را - همین امروز - با هدف افزایش استانداردهای زندگی و ارائه سرمایه‌گذاری‌های عمومی در آموزش، فناوری و زیرساخت‌های انعطاف‌پذیر که برای رفاه بلندمدت ما حیاتی است، پیش ببرند. خرج کردن یا خرج نکردن یک تصمیم سیاسی است (Ibid: 13). [این یک افسانه است که] دولت فدرال باید بودجه‌ای همانند یک خانواده داشته باشد... [چون] برخلاف یک خانواده، دولت فدرال ارزی را که خرج می‌کند، خودش منتشر می‌کند (Ibid: 22). [افسانه دیگر این است که] کسری [بودجه‌ها] دلیلی بر خرج کردن بیش از حد است (Ibid: 46).

بنابراین، نگاه‌هایی که به تقدم و تأخر مالیات و شکل‌گیری پول وجود دارد علاوه بر اینکه روایتی متفاوت از ماهیت پول را نشان می‌دهد، در حوزه عملیاتی و بودجه‌ریزی نیز تفاوت‌های چشم‌گیری را ایجاد می‌کند. البته نگرش پول نومیالیستی لزوماً مترادف را افزایش مخارج و عدم تأثیر آن در تورم نیست، این مسئله را در ادامه بیشتری واکاوی می‌کنیم؛ اما مجدداً به خط اصلی این قسمت یعنی تاریخ پول از دریچه نومیالیسم بر می‌گردیم.

روایت نومیالیستی از شکل‌گیری پول در ادامه نیز توضیح داده می‌شود، اما در جهت

استدلال می‌کنند که بازارها نتیجه این سیستم بودند نه علت آن (Bower, 2018).

روایت فوق از تاریخ شکل‌گیری پول در برابر قرائت رسمی مکتب اتریش و مکتب نئوکلاسیک است؛ در روایت فوق مالیات‌ستانی حاکمیت به‌عنوان عامل پیشران انتزاع پول فرض شده که البته از منظر تاریخی نیز چنین بوده است؛ اما در چارچوب اتریشی هرچند دولت برای مالیات‌ستانی به دنبال دولتی کردن پول بوده؛ اما اخذ مالیات مؤخر بر شکل‌گیری پول تلقی شده است:

اهمیت نمادین سکه‌ها فقط در ابتدای راه بوده است. بعدها دولت توانست از آن به‌عنوان وسیله‌ای برای دریافت مالیات استفاده کند. اگر دولت سکه فلزی با ارزش را منتشر می‌کرد می‌توانست آن را به‌عنوان مالیات جمع‌آوری کند. این موضوع سبب می‌شد که دولت آسان‌تر حساب مالیات‌ها را داشته باشد، سیاست‌مداران همیشه دوست دارند جمع‌آوری مالیات را ساده کنند دولت اگر سکه‌ها را در اختیار داشت می‌توانست خدمات و کالاهای مربوط به ارتش را خریداری کند (نورث، ۱۴۰۰: ۷۳).

یک نکته فرعی در این زمینه نیز مربوط به این مسئله است که نگرانی اتریشی‌ها از اینکه پول حاکمیتی منجر به افزایش مخارج دولت می‌شود را می‌توان از یک زاویه دیگر نگاه کرد:

نظریه مدرن پولی^۱ [MMT] با درک این موضوع که ناشر ارز دولت فدرال است، و این مالیات‌دهندگان نیستند که مخارج دولت را تأمین مالی می‌کنند، درک ما را به طور اساسی تغییر

¹ Modern Monetary Theory



این ادعا درست بود که برعکس بود: اگر پولی وجود داشت درحالی که دولتی وجود نداشت، پول مذکور نظریه حاکمیتی پول را زیر سؤال می‌برد، نه اینکه دولتی وجود داشته و پول وجود نداشته است.

یک مثال جذاب‌تر در این زمینه مربوط به پول جزیره یاپ است که برخلاف مدعای منگر، به هیچ وجه از دل بازار، یعنی از طریق مبادله پذیری بالای یک کالای اقتصادی، بیرون نیامده و اصلاً به خودی خود شیء ارزشمندی نبوده است. مثال زیر به خوبی نشان می‌دهد که پول کالایی، همان پول اعتباری - در یک قالب متفاوت - بوده است، نه اینکه ماهیت جداگانه‌ای از اعتبار داشته باشد:

مخالف این رویکرد نیز برخی حامیان پول کالایی از مثال امپراتوری اینکا^۱ - که جزو سرخ‌پوستان آمریکای لاتین هستند - استفاده می‌کنند. در این امپراطوری علی‌رغم وجود دولت، پولی شکل نگرفت و اینکاها طی بازه‌های طولانی مدتی بدون پول به مبادله می‌پرداختند. با توجه به توضیحی که ارائه شد، حل این مشکل چندان دشوار نیست؛ چراکه حتی اگر پول - به معنای فیزیکی‌اش وجود نداشته باشد هم می‌توان شرایطی را متصور شد که مبادلات بر اساس سندهای بدهی دیگری انجام می‌شده است. ضمن اینکه وجود دولت و عدم وجود پول به هیچ عنوان نافی مدعای پول نومی‌نالیستی نیست، زمانی



¹ Inca Empire



پول مدرن بر بدهی حکومت مبتنی است، و حکومت برای تأمین مالی جنگ پول قرض می‌گیرد. این گفته امروز همان قدر صحت دارد که در زمان شاه فیلیپ دوم داشت. ایجاد بانک مرکزی در واقع نهادینه شدن دائمی ازدواجی بود که از همان زمان رنسانس ایتالیا میان جنگجویان و وام‌دهندگان شکل گرفت، و به بنیان سرمایه‌داری مالی بدل شد (گریپر، ۱۳۹۹: ۵۶۸).

در این حالت گفته می‌شود پول لزوماً در جایگاه واسطه‌گری قرار ندارد، مثلاً وقتی که دو نفر کالایی را معاوضه می‌کنند در حقیقت از قیمت‌های پولی برای این کار استفاده کرده‌اند؛ اما در اینجا هیچ پولی در مبادله به کار گرفته نشده و این مبادله بدون واسطه ماده پولی بوده است. مشخص است که اینجا مقصود ما پول فیزیکی است وگرنه اگر پول را واسطه ذهنی ارزش در نظر بگیریم، پول همچنان واسطه مبادله خواهد بود؛ بنابراین اگر پول را یک واسطه در نظر بگیریم انتقاد اقتصاددانان جدید به این تعریف - واسطه‌بودن پول - وارد بوده و باید واسطه‌بودن را از ماهیت پول منفک کنیم.

۲- چارتالیسم تا ورگلید: ماهیت پول از جیمز میل، اینس و نپ تا زیمل و وبر

شاید مبانی جدیدی که ذیل پول نومی‌نالیستی ارائه کردیم جدید به نظر برسد؛ اما سابقه چنین نگاهی به ماهیت پول - هرچند نگاه غالب آکادمیک نیست - به قرن پانزدهم می‌رسد؛ جیمز میل^۱ پول را چیزی

در جزیره یاپ واقع در منطقه میکرونزی، وجه رایج سنتی، حله‌های سنگی عظیمی است که به آن‌ها سنگ‌های رایی گفته می‌شود. این سنگ‌ها خیلی بزرگ‌اند: قطر بعضی از آن‌ها به سه متر می‌رسد و به‌اندازه یک کامیون کوچک وزن دارد. نکته غیرمعمول درباره این سنگ‌ها آن است که مالکیت آن‌ها عوض می‌شود، ولی هرگز به‌صورت فیزیکی جابه‌جا نمی‌شوند. فکرش را بکنید که چقدر زحمت داشت اگر می‌خواستید یکی از این سنگ‌ها را به خانه‌تان ببرید! (آکاشه و دتروجا، ۱۳۹۹: صص ۱۹-۲۰).

گفتیم که در نگرش دوم، پول، یک مطالبه یا یک سند بدهی است. این بدهی، بدهی ناشر به کسی است که پول را دریافت می‌کند. مثلاً دولتی که پول چاپ می‌کند، خود را بدهکار افرادی می‌کند که پول چاپ‌شده را در اختیار دارند؛ بنابراین مردم سندی دارند که به‌ازای آن می‌توانند خرید کنند. نکته اینجا است که تفکیک پول کالایی و پول اعتباری حتی زمانی که پول به‌نوعی با یک کالا سنجیده می‌شد صحیح نیست؛ پول هر زمانی که وجود داشته بدهی ناشر آن بوده، تا اینکه نماینده یک کالای ارزشمند باشد، حتی اگر در ظاهر خود کالاها قابلیت بازاری (ارزش مصرفی) داشته بود. امروز هم در ادامه همان سیر، پول یک سند بدهی - این بار در شکل اسکناس - است و انتشار آن در بانک‌ها نیز انجام می‌شود، بدین صورت که بانک با خلق پول، علیه خودش بدهی ایجاد می‌کند.

¹ James Mill



اولاً، یک ژتون حمل واحدهای ارزش انتزاعی (و ذهنیت‌گرایانه) است - همانند عقیده اینس - و ثانیاً تأیید حاکمیتی در ماهیت آن دخیل است؛ بدین صورت که نظریه حکومتی نپ، ریشه‌های تاریخی پول را در روابط بدهی میان حکومت‌ها و اعضای آن‌ها می‌داند. برای پرداخت هزینه کالاها و خدمات، حکومت‌ها اقدام به صدور نشانه‌های اعتباری می‌کردند که با پول محاسباتی اعلام شده تعیین ارزش می‌شد و در نتیجه قول می‌دادند که پرداخت بدهی‌های مالیاتی را قبول کنند. به این ترتیب، حکومت‌ها حاکمیت فضای پولی را به وجود می‌آوردند که در آن، بدهی‌ها و قیمت‌ها با پول محاسباتی واحد آن‌ها تعیین ارزش می‌شود (این‌گام، ۱۳۹۸: ۱۲۱):

پول مخلوق قانون است؛ بنابراین، یک نظریه در حوزه پول باید با یک تاریخچه حقوقی [نه صرفاً اقتصادی] سروکار داشته باشد... پرداخت بدهی‌هایی که در چارچوب واحدهای ارزش هستند می‌تواند از طریق قطعات حکاکی شده، اعم از سکه یا اسکناس که طبق قانون دارای اعتبار معینی بر حسب واحد ارزش هستند صورت بگیرد. به چنین قطعاتی، ابزار پرداخت چارتنال^۱ یا پول می‌گویند. اعتبار، مستقل از محتوای قطعات است. قانون از دولت صادر می‌شود. بر این اساس، پول یک نهاد دولتی است. همه پول‌ها، چه فلزی و چه کاغذی، فقط یک مورد خاص از این ابزارهای پرداخت کلی است. در تاریخ حقوقی، مفهوم ابزار پرداخت به تدریج تکامل یافت و از اشکال ساده به

می‌دانست که فی‌نفسه برای نوع بشر هیچ کاربرد مادی نداشته، بلکه در ذهن او چنان جایگاهی پیدا می‌کند که به معیاری عام برای آنچه ارزش می‌خوانیم، تبدیل می‌گردد (Schumpeter, 1987: 297). اما میل توسط دیوید ریکاردو^۲ و مارکس مسخره شد.

تمسخر میل به خاطر نظرات دگراندیشانه پولی‌اش پایان ماجرا نبود. آلفرد میشل اینس^۳ نیز که همانند او معتقد بود مسکوکات در حکم نوعی ژتون هستند که وزن و آلیاژ آن چندان اهمیت ندارد (Innes, 1913: 382) با اهانت‌های کوتاه‌مدت جریان رسمی علم اقتصاد مواجه شد. اینس عقیده داشت:

دولت از طریق قانون، اشخاص معینی را به اجبار به خودش بدهکار می‌کند. این فرآیند، مالیات‌ستانی نامیده می‌شود و بنابراین کسانی که به اجبار در موقعیت بدهکار به دولت قرار گرفته‌اند از نظر تئوری باید به دنبال کسانی بگردند که دارای چوب‌خط هستند و چوب‌خط آن‌ها را بگیرند. آن‌ها برای متقاعد کردن صاحبان این چوب‌خط‌ها به واگذاری آن مجبور به فروش بخشی از کالاهای خود در قالب یک معامله هستند. هنگامی که این چوب‌خط‌ها به دولت عودت داده شود، مالیات پرداخت شده است (Ibid: 398).

سومین نفر برجسته‌ای که در این چارچوب فکر می‌کرد - و او هم از آتش توپخانه جریان رسمی اقتصاد و اتریشی‌ها در امان نماند - جورج فردریش نپ^۴ بود که معتقد بود پول،

¹ David Ricardo

² Alfred Mitchell-Innes

³ Georg Friedrich Knapp

⁴ Chartal



آن می‌توانست به وسیله انواع کالاهای دیگر انجام پذیرد. همین روال در مورد بازپرداخت بدهی‌ها نیز رواج داشت. به بیان دیگر معیار ارزش پول فلزی بود، در حالی که عملاً هرکالای دیگر نیز یک وسیله مبادله بالقوه به‌شمار می‌آمد (قبادی و رئیس‌دانا، ۱۴۰۰: صص ۸-۱۷).

با این توضیح، نَب وارد تحلیل اینکه وسیله پرداخت چه چیزی است می‌شود و یک مسئله مهم را تبیین می‌کند: ماهیت پول را نمی‌توان در چارچوب مبادله-کالا تبیین کرد. هرطور که این چارچوب را بررسی کنیم (مثلاً بگوییم همه وسایل پرداخت کالاهای مبادله‌ای هستند یا همه کالاهای مبادله‌ای وسیله پرداخت هستند) دچار مثال‌های نقض بسیار می‌شویم؛ تنها راه تحلیل دقیق ماهیت پول، خروج از تحلیل اقتصادی و ورود به یک چارچوب اجتماعی است. چنانچه بالاتر نیز توضیح دادیم که درک انسان‌شناسان از تاریخ پول با درک اقتصاددانان کاملاً متفاوت بود. پس وسیله پرداخت چیست؟ آیا مفهوم گسترده‌تری وجود دارد که بتوان ابزار پرداخت را ذیل آن قرار داد؟

معمولاً «وسایل پرداخت» با توسل به مفهوم «مبادله-کالا» توضیح داده می‌شود که [در آن] مفاهیم «کالا» و «مبادله» پیش‌فرض گرفته شده؛... ما ادعا می‌کنیم این گزاره که «هر وسیله پرداختی، یک کالای مبادله‌ای است» کاملاً اشتباه است، چون در طول تاریخ با وسایل پرداختی روبه‌رو بودیم که به هیچ وجه به معنای واقعی کلمه کالاهای مبادله‌ای نبود؛ بنابراین «کالای مبادله‌ای»، مفهوم گسترده‌تری که ما به دنبال آن هستیم نیست. اما اگر برعکس بگوییم: «هر

سمت اشکال پیچیده حرکت کرد (Knapp, 1924: PP 1-2).

همان‌طور که نَب اشاره کرد پول یک ابزار پرداخت یا به عبارت دقیق‌تر تعهد پرداخت است. در این تعریف چند نکته مهم وجود دارد که جای بررسی بیشتر دارد، یکی اینکه ماهیت پول را نمی‌توان بر اساس - اصطلاحاً - قوانین اقتصادی بیان کرد، چون پول پیش از آنکه یک کالا باشد یک نهاد است. دیگر اینکه باید بین کالایی که پول می‌نامیم و آنچه از پول مدنظر داریم، تفکیک قائل شویم، به بیان نَب، اعتبار مستقل از محتوای قطعات پولی است؛ بنابراین می‌توان تاریخ پول را از این جهت به گونه‌ای دیگر - نه جایگزین شدن پول به جای تهاتر - توضیح داد:

هومر در ایلید ارزش زره دو تن از جنگ‌آوران را بر مبنای معیار گاو نر بیان می‌کند. «زره دیومید ۹ گاو نر ارزش داشت ولی زره گلوکوس ۱۰۰ گاو نر می‌ارزید». البته نباید تصور کرد که در دوران که در دوران مورد بحث هومر، گاو نر لزوماً وسیله مبادله رایج به‌شمار می‌آمده است. در واقع، به نظر می‌رسد که در همه جا پیدایش پول به‌عنوان معیار ارزش، مقدم بر پیدایش آن به‌عنوان وسیله مبادله بوده است. در وهله اول، در شرایطی که مبادلات پایاپای شکل غالب مبادلات، کالاهایی به‌عنوان معیار مقایسه ارزش کالاها مورد استفاده قرار می‌گرفتند بی‌آنکه لزوماً نقش ویژه واسطه را در مبادلات ایفا نمایند. گاو نر مورد اشاره هومر به‌ظن قوی صرفاً چنین معیاری بوده است. تمایز میان دو وظیفه یادشده پول، در اروپای قرون وسطایی نیز کاملاً مشهود بوده است. در اوایل سده‌های میانه، پیش از رونق‌گیری مجدد تجارت و مبادلات پولی، قیمت کالاها براساس سکه تعیین می‌شد اما خرید



استفاده یک کالا در مبادلات کسب و کار، به تنهایی می‌تواند آن را به یک وسیله مبادله مشترک تبدیل کند. رویه رایج همه کسانی که در بازار معامله دارند، پول را ایجاد می‌کند، نه دولت (Mises, 1912: 93).

پول توسط هیچ شخصی اختراع نشده و مطمئناً در نتیجه دستور دولتی ایجاد نشده است (باگوس و مارکوت، ۱۴۰۰: ۷۳).

این اظهارات در واقع، یک خلط مفهومی است، سخن گفتن از نقش قانون در پول شدن به این معنی نیست که دولت‌ها پول را اختراع کردند. نکته دیگری که جزو کج فهمی‌ها از مبانی نپ است؛ این است که بین ارزش پول و ارزش تفاوت وجود دارد. هرچند ارزش پول توسط نهاد قدرت ایجاد می‌شود، اما ارزش پول به صورت دستوری ایجاد نمی‌شود. به عبارتی، روابط درونی و کارکرد پول در حیطه اختیارات دولت نیست. نقش دولت در ایجاد معیار، کنارزدن معیارهای دیگر و حفظ اقتدار خود وجود دارد، اما در اینکه به صورت دستوری ارزش پول خود را بالا ببرد ناتوان است.

این مسئله (تمایز بین ارزش پول و ارزش) نشان می‌دهد که اولاً ممکن است پول دولتی واقعاً ارزشمند نباشد (اصلاً برای همین، ارزش پول آن اسمی -نومینالیستی- است) و ثانیاً موید نکته قبلی ما است که تفوق پول دولتی، لزوماً یک مزیت نیست. باین وجود، نکته مذکور توسط اتریشی‌ها به خوبی درک نشد:

کالای مبادله‌ای وسیله پرداخت است»، [بازهم] به چیزی که می‌خواستیم نرسیده‌ایم. چه اینکه، کالاهای مبادله‌ای که وسیله پرداخت نباشند هم وجود دارد. چارچوب «مبادله-کالا» هنوز هدف ما را برآورده نمی‌کند. باین حال، وقتی در هر جامعه‌ای، اینکه به تدریج همه کالاها باید با مقادیر معینی از یک کالا - مانند نقره - مبادله شوند، توسط قانون یا دولت به رسمیت شناخته شده است؛ به معنای محدودتری همان کالای مبادله‌ای را نشان می‌دهد؛ بنابراین، در محدوده استفاده از آن، یک کالای مبادله عمومی [روی کلمه عمومی دقت شود] نامیده می‌شود. بر این اساس، مبادله-کالای عمومی، نهادی از روابط اجتماعی است. کالایی است که در جامعه کاربرد ویژه‌ای توسط عرف و سپس قانون، پیدا کرده است (Knapp, 1924: 3).

دو نکته مهم اظهارات نپ وجود داشت؛ یکی اینکه پول از دل مبادلات بازاری بیرون نیامده و دیگری اینکه، علی‌رغم ماهیت قانون‌محور پول، ریشه آن ابتدا در عرف بوده و سپس به قانون منتقل شده است. این بدین معناست که اولاً پول یک رابطه اجتماعی است و ثانیاً هرچند بدون تأیید حکومتی، هر سند بدهی‌ای به پول تبدیل نمی‌شود، اما آن‌طور نبوده که یک‌دفعه از دنیای تهاتری به دنیای پول پرتاب شویم یا کلاً وجود هر سند بدهی‌ای پیش از پول را مردود بدانیم؛ بنابراین درک صحیح اظهارات نپ اهمیت زیادی در فهم شکل‌گیری پول خواهد داشت. همین فقدان درک صحیح موجب موضع‌گیری شتاب‌زده میزس و سایر اتریشی‌ها علیه نپ شد:



اینکه توسط قانون ایجاد شده است (نورث، ۱۳۹۹: ۶۶). اوج‌گیری مکتب اقتصادی دولت‌گرایی آلمان احتمالاً با نظریه دولتی پول جورج فردریش نپ اتفاق افتاد (Mises: 1919: 5). اگر نپ و شاگردانش [مانند کورت سینگر^۱] درست می‌گفتند، درآمد من به‌طور قابل‌توجهی بیشتر می‌شد؛ بسیار متأسفم که تاریخ به من ثابت کرده که حق با من است، نه قهرمان تورم (Mises, 1920).

پیش از هرچیز باید گفت میزس در عبارت خود، پول نومی‌نالیستی را به‌نوعی پول آبجکتیو تر جلوه می‌دهد، چون ارزشش از بیرون است؛ اما اتفاقاً این پول، سابجکتیو تر از آنچه خودش بدان معتقد است، می‌باشد: اگر ارزش از اذهانی که خارج از کالا هستند بدست نیاید، باید یک ارزش ذاتی وجود داشته باشد که از آن حاصل شود. چنین مدعایی نه‌تنها آبجکتیو‌ستی است بلکه با خود نظریه ارزش ذهنی اتریشی هم تعارض دارد. بنابراین، هر نظریه‌ای که تعیین ارزش را در خارج از خود کالا نداند آبجکتیو‌ستی است. ضمن اینکه نقد میزس پاسخگوی مدعای نپ نیست؛ چراکه میزس در این بیانات خود علیه پول نومی‌نالیستی، همچنان از درک تمایز بین ارزش و ارزندگی ناتوان است. برای همین دقت ندارد که پول نومی‌نالیستی، مایه وضع پول‌شدگی است، نه ارزشمندی پول.

به عبارت دیگر، پول ساختاری اجتماعی و سیاسی دارد ولی این صرفاً به این معنا نیست که پول به‌صورت اجتماعی تولید می‌شود. بلکه این نظریه استدلال می‌کند که پول در واقع نتیجه

[برداشت نپ درباره نظریه حکومتی پول] موجب اعلام تکفیر او از سوی نظریه‌پردازان اقتصادی - از قبیل منگر و فون میزس - شد. آنان به‌شدت از این فکر که حکومت‌ها می‌توانند قدرت خرید پول را ایجاد کنند، انتقاد کرده و پافشاری کردند که ارزش فقط در مبادله می‌تواند پدید آید. با این حال... همان نظریه‌پردازان اقتصادی نتوانستند توضیح دهند که چرا تمام کالاهای دارای ارزش، به پول تبدیل نمی‌شوند یا چرا کالاهای خاص که فاقد ارزش مبادله هستند (مثلاً کاغذ)، قدرت خرید داشته‌اند. نظریه‌پردازان اقتصادی نتوانستند در میان اظهار خشم خود، به‌تمایز مهم در حرف‌های نپ - بین ارزندگی و ارزش - پی ببرند. پول دارای مشخصه ویژه ارزندگی یا معتبر بودن است که در مقابل ارزش ویژه یا قدرت خرید پول قرار دارد. حکومت‌ها با پذیرفتن ژتون‌ها به‌عنوان وسیله پرداخت مالیات و استفاده از آن برای انجام خریدهای خود، این ویژگی ارزندگی را به پول منتقل می‌کنند (اینکام، ۱۴۰۰، ۹۰).

حال، نقد میزس به پول نومی‌نالیستی که در نقل‌قول بالا به آن اشاره شد چه بود؟ به‌زعم میزس پول نومی‌نالیستی، پولی بود که ارزش آن از بیرون یا به‌صورت دستوری تعیین می‌شود؛ در واقع، پول نومی‌نالیستی همان پولی دولتی است. از همین رو بود که می‌گفت:

نظریه نومی‌نالیستی پول مدعی است که واحد پولی با هر میزانی از پیشرفتگی یک واحد کالای ملموس نیست که بتوان آن را با اصطلاحات فنی مناسب تعریف کرد؛ بلکه یک مقدار ارزش اسمی است که در مورد آن هیچ چیز نمی‌توان گفت، مگر

¹ Kurt Singer



رابطه اجتماعی اعتبار-بدهی شکل می‌گیرد که با پول محاسباتی انتزاعی تعیین ارزش می‌شود (اینگام، ۱۳۹۸: ۱۲۰).

بر نقدهای فوق می‌توان سوالات زیر را هم اضافه کرد: اگر دولت نمی‌تواند پول را ایجاد کند، پس پول رایج ایجاد شده به‌آن قبولانده شده، در حالی‌که چنین چیزی امکان‌پذیر نیست؛ نهاد قدرت برای سیطره بر اقتصاد هیچگاه اجازه چنین چیزی را نمی‌دهد، برای همین دولت‌ها هیچوقت دنبال کنارزدن پول

(ارز غالب) موجود نبودند، چون پول رایج، پول رقبایشان نبوده است. (واضح است که، اینکه دولتی با دولت قبلی مشکل داشته یا با کشوری با پول رایج دیگر جنگ داشته و موجب تغییرات پولی شده ناقض این ادعا نیست) از طرف دیگر، این امکان نیز وجود ندارد که اگر پول رایج خصوصی است، عرضه آن دولتی باشد! بنابراین بحث ارزندگی یا اعتبار، با مقوله ارزش یکی نیست و اصلاً یک مسئله اجتماعی و متأثر از نهاد قدرت است.

منابع

۱. اینگام، جفری. (۱۳۹۸) سرمایه‌داری (ترجمه سید احسان خاندوزی و علیرضا اشرفی احمدآباد) تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
۲. اینگام، جفری. (۱۴۰۰) ماهیت پول (ترجمه اصلان قودجانی، حسین درودیان و علی نصیری‌ا قدم) تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
۳. باگوس، فیلیپ؛ مارکوت، آندریس. (۱۴۰۰) دستبرد ناپیدا (ترجمه حسین حسن‌زاده سروستانی و علی‌رضا زمانی) تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام
۴. قبادی، فرخ؛ رئیس‌دانا، فریبرز. (۱۴۰۰) گذشته و آینده پول. تهران: انتشارات نگاه معاصر



۵. گریبر، دیوید. (۱۳۹۹) تاریخ پنج هزار ساله‌ی بدهی (ترجمه مصطفی آقایی) تهران: انتشارات دهکده هوسم
۶. مهتا، نیل، آگاشه، آدیتیا و دتروجا، پارت. (۱۳۹۹) حباب یا انقلاب؟: حال و آینده‌ی بلاکچین و رمزارزها (ترجمه قاسم کیانی‌مقدم) تهران: انتشارات مازیار
۷. نورث، گری. (۱۳۹۹) دیدگاه‌های پولی میزس (ترجمه محمد جوادی و امیررضا عبدلی) تهران: انتشارات دنیای اقتصاد
۸. نورث، گری. (۱۴۰۰) پول راستین: طرح کتاب مقدس برای پول و بانکداری (ترجمه سید مجتبی فائزی) تهران: انتشارات دنیای اقتصاد

9. Goodhart, A. E. Charles (1998). The two concepts of money: implications for the analysis of optimal currency areas, European Journal of Political Economy, 14
10. Bower, Bruce. (2018) Conflict reigns over the history and origins of money, A version of this article appears in the August 4, 2018 issue of Science News
11. Kelton, Stephanie. (2020) The Deficit Myth: Modern Monetary Theory and the Birth of the People's Economy. London: John Murray Press
12. Schumpeter, J. (1987) A History of Economic Analysis. New York: Routledge
13. Innes, A.M. (1913) What is money? Banking Law Journal (May)
14. Knapp, Georg Friedrich. (1924 [1905]) The State Theory of Money, London: Macmillan
15. Mises, Ludwig von. (1912) The Theory of Money and Credit. Alabama: The Ludwig von Mises Institute.
16. Mises, Ludwig von. (1919) State, Nation und Wirtschaft n 3, Vienna: Manz.
17. Mises, Ludwig von. (1920) Mises Archive 73, Mises to Lederer, letter dated January 29: 41f.

18. Mises, Ludwig von. (1931) On the Manipulation of Money and Credit. Alabama: The Ludwig von Mises Institute.
19. Mises, Ludwig von. (1949) Human Action. Alabama: The Ludwig von Mises Institute.
20. Mises, Ludwig von. Economic Policy. Alabama: The Ludwig von Mises Institute.
21. Bower, B. money (2018, August 4) Conflict reigns over the history and origins of <https://www.sciencenews.org/article/money-ancient-origins-debate-mystery?tgt=nr>
22. Rothbard, Morry N. (2011) Economic Controversies. Alabama: The Ludwig von Mises Institute.
23. Rothbard, Morry N. (2006) The Complete Libertarian Forum 1969 - 1984 (2 Volume Set) Alabama: The Ludwig von Mises Institute
24. Rothbard, Morry N. (1994) Case Against the Fed, M. Alabama: The Ludwig von Mises Institute.
25. Grierson, Philip. (1977) The Origins of Money, London : Athlone Press